

پیش از این که قدرت دعا و نیایش را دست کم بگیرید،

مطالب زیر را بخوانید!

منبع: مجله Reader's Digest

ترجمه: امیر دیوانی

ایمان خدا صدای مرام

سال‌ها پیش، خانم

میمی رامپ برای برنده شدن بلیت پخت‌آزمایی خود

دعا می‌کرد ولی بعداً دست از این کار برداشت. با

داشتن همسر، دو فرزند و شغل تمام وقت،

دیگر فرصتی برای این‌گونه

اعمال پیش پا افتاده

نمی‌یافت. اما سال پیش،

پس از این که یکی از

پزشکان به خواهرش

میکی گفت که به پیوند

کلیه نیازمند است، تمام

خانواده بار دیگر به دعا

متوسل شدند تا شاید کسی

پیدا شود که کلیه خود را به

وی اهدا کند. کمتر از یک سال بعد،

میکی به لطف یک تحویلدار

بانک در ناپا، یک کلیه جدید

داشت. میکی، داستانش را برای این

خانم تعریف کرد و وی به اندازه‌ای

تحت تأثیر قرار گرفته بود که بر آن شد این کمک را به او
کند. جواب آزمایش مثبت بود و مشکل برطرف شد.
تصادف؟ پخت؟ یا مداخله پروردگار؟ رامپ تردید
ندارد: «این معجزه‌ای بود و بس.»

دعاگویان

تمام این اسرار و رموز دعا کردن می‌باشد، قطعاً برای
آنان که از سعادت ایمان برخوردار بوده‌اند، هیچ جای
تردید نیست که دعا‌های واقعی و صادقانه مستجاب
می‌شوند.

به موجب آمارگیری که به وسیله مجله نیوزویک
صورت گرفت، نشان می‌دهد که بیش تر بزرگسالان
آمریکایی - ۵۴ درصد - هر روز دعا می‌کنند و ۲۹
درصدشان افزون بر یک مرتبه در روز، دست به دعا بلند

می‌کنند. به عقیده آنان، این رابطه یک طرفه نیست که
جوابی نداشته باشد، ۸۷ درصد آنان اظهار می‌دارند که
خداوند گهگاه دعا‌هایشان را مستجاب می‌کند.

گری هابرماس، سرگروه فلسفه در دانشگاه لیبرتی
است. وی به سبب ایمانی که دارد و برحسب عادت،
مرتباً به دعا می‌پردازد. در سال‌های ۱۹۸۰، وی فهرست
دعایی مشتمل بر صدها نام تهیه کرده بود. غالب این
افراد کسانی بودند که او هرگز آنان را نمی‌شناخت، ولی
برای کار، تندرستی و بچه‌های آن دعا می‌کرد و اثر
داروها را به چشم می‌دید. وی با چنین بررسی عملی به
این نتیجه دست یافت که دعا‌های افراد برای
دیگران مؤثر می‌باشد. از این رو زمانی که مادر بزرگ
۸۷ ساله‌اش در بستر مرگ افتاد، کنارش آرامید و از
ژرفای دل برایش دعا کرد، خوشبختانه حال
مادر بزرگ رو به بهبود نهاد. بعدها

در ماه می ۱۹۹۵، همسر ۲۳ ساله‌اش بیمار گردید و پزشکان تشخیص دادند که به سرطان معده، دچار شده است. یک بار دیگر، گری دست به دعا برداشت و عمیق‌تر از همیشه از خدای مهربان و مورد اعتمادش طلب یاری کرد. او نمی‌خواست خود رأی باشد، بنابراین، گفت: «خدایا، چنانچه صلاح نمی‌دانی که وی نجات یابد، من راضی به رضای توأم.» از سوئی، چون نمی‌توانست بی تفاوت بماند، افزود: «ولی پروردگار، می‌دانی که من چقدر دلم می‌خواهد او زنده بماند.» این دفعه او تسلیم شکست شد. دبی جان داد، لیکن پیش از جان سپردن به شوهرش گفته بود:

«خدا یا من حرف زد.»
گری هابرماس،
بین دو احساس متضاد قرار گرفته بود. از طرفی، اندوهگین شده بود و از سوی دیگر، از خدایی که نه قادر بود بر توانایی‌اش چیره شود و نه درکش کند، سپاسگزار بود. او امروز می‌گوید: «دبی هیچ‌گاه به عشق خدا تردید نداشت، ولی هنگامی که

شهودی

درگذشت، از عشق

خدا همان قدر خاطر جمع بود که از

مهر من. آفریدگار در هر زمان به دعا‌های من پاسخ می‌دهد، لکن گاه این پاسخ همانی نیست که من می‌اندیشیدم.»

براساس آمارگیری نیوزویک، ۸۵ درصد آمریکایی‌ها می‌پذیرند وقتی پاسخ دعاهايشان را ندهد، تسلیم خواست خدا گردند. فقط ۱۳ درصد از آنان اظهار می‌دارند که در این‌گونه شرایط، ایمان خویش را از دست می‌دهند.

جالب این‌جاست که در پایان قرون بیستم، آمریکایی‌ها رو به خدا آورده‌اند. آنان برای تسنند رستی، زدودن

بلاها به میزان زیادی برای سائران دعا می‌کنند. مادر دوروتی ریس در کلیسای کاتولیک رومی‌اش، در نیوتن گروهی مرکب از ۵۰ دعاخوان را سازماندهی کرده که برای شمار زیادی از نیازمندان دعا می‌کنند. در دفتر دعا‌های روزانه انواع بدبختی‌های معمول ثبت شده‌اند، مشتمل بر حمله قلبی، پارگی طحال، سرطان معده، اعتیاد به مواد مخدر، نازایی، فرار شوهر یا بیکاری و... بنا به گفته ریس: «ما واقعاً اعتقاد داریم که پروردگار قادرست در یک زمان به بیش از یک فرد عنایت کند.» در دانشگاه اورال رابرتس در توسا، دانشجویان یک جلسه دعا به راه انداخته‌اند و از طریق تلن، نمابر و تلگرام تقاضای دعا می‌کنند. برای کسانی که اینترنت را ترجیح می‌دهند، نیز یک پایگاه دعا و نیایش روی شبکه موجود است.

امروزه بسیاری از دانشکده‌های مهم الهیات، مشتاق شاخه‌های گوناگون الهیات پسامدرن، از جمله الهیات آزاد شده‌اند. ولی عامه مردم، صرفاً برای دعا کردن به عبادتگاه می‌روند و با این مباحث نظری کاری

نمایند.
روبرت ابوندی، استاد الهیات در دانشگاه اموری، بار دیگر در دوران دانشجویی برای خودش دعا کرده بود که سائران وی را به خودپرستی ملقب کرده بودند، چون به اعتقاد آنان دعا راهی بود که می‌بایست تمام مردم راباهم به یک احساس مسؤولیت جمعی برساند. اینک او بیش از پیش دعا را یک رابطه شخصی و مستقیم با خدا می‌داند.

می‌گوید: «اگر می‌خواهم یک رابطه واقعی با خدا داشته باشیم، باید به وی بگویم چه وضعیتی دارم. در این‌جا نیز همانند هر رابطه دیگری، شما از قبل نمی‌دانید که چه نتیجه‌ای می‌گیرید. فقط دعا می‌کنید، یعنی در را می‌گشایید و از این‌رو، وقتی لطف خدا شامل حال شما شد، آماده دریافت او هستید.»

عیسی مسیح علیه السلام همواره به پیروانش سفارش می‌کرد آنچه را که نیاز دارند از پروردگار طلب کنند. شمار زیادی از معجزات شفا بخش خود وی زمانی رخ داده‌اند که مردم از او تقاضا کرده‌اند بیمارانشان را شفا بخشد. مسیح می‌فرماید: «درخواست کنید و خواهید گرفت، جست‌وجو کنید و خواهید یافت، در بنزید و در به روی شما گشوده خواهد شد.» به این ترتیب، میلیون‌ها آمریکایی جوینده، یابنده هم خواهند بود... کارل ساگان در آخرین اثر خود تحت عنوان «دنیای جن‌زده: دانش شمع‌ی در تاریکی است»، دعا، طالع‌بینی، سحر، حس ششم و احضار روح را نمونه‌هایی از تفکر نابخردانه در بین مردم می‌داند.

وی معتقد است، این امر که بیش تر آمریکاییان دعا می‌کنند و ایمان دارند که کره خاکی سرشار از موجودات عجیب فوق زمینی است، دلیل موجهی برای منطقی بودن ایمان به پروردگار به منزله بالاترین وجود ماورایی نیست. ادعای ساگان، مخالفت بسیاری از روحانیون و اندیشمندان دینی را برانگیخته است. مواردی که وحی به آن اشاره می‌کند، از دیدگاه مسیحیت اهمیت به سزایی دارد. مسیح در دعای «پروردگار» به پیروانش می‌آموزد که برای رزق و روزی‌شان و جهت دفع شر، از آفریدگار یاری بجویند. مسیحیان پرهیزکار از آن زمان برای همه امور روزمره زندگی خویش دست به دعا به آسمان می‌برند...

افرادی که دعاهايشان مستجاب شده‌اند، درباره پروردگار چه می‌گویند؟ آیا چون بسیاری از مردم دعاهايشان مستجاب نمی‌شود، می‌توانیم بگوئیم که خدا به برخی از بندگان لطف و عنایت بیش تری دارد؟ آیا تقاضای نفع شخصی از خدا کردن، گونه‌ای سوداگری نیست؟ عمل عادی طلبیدن چیزی به وسیله دعا، چه ربطی به درک ما از خداوند، گیتی و خودمان دارد؟